



دیپلماسی امام خمینی در نوفل لوشاتو (بخش دوم)

و به همین دلیل از نظر تاریخی این مطالب مستند و از نظر علمی قابل اعتنا می‌باشند.

در سال گذشته و در خردادماه به بعضی از مذاکرات دیپلماتیک امام خمینی و به نقل از این منبع اشاره کردیم و اکنون به بخش دیگری از این مذاکرات می‌پردازیم.

در دو سال گذشته پیام‌ها و مذاکرات امام خمینی با مقامات فرانسوی و سپس آمریکایی را مرور کردیم و پیام اول کارتر به امام خمینی را مورد بررسی قرار دادیم. اکنون به پیام‌ها و مذاکرات بعدی در این زمینه می‌پردازیم.

دومین پیام دولت آمریکا به امام خمینی در ۲۷

دی ماه ۱۳۵۷ مطابق با ۱۷ ژانویه ۱۹۷۹

دکتر ابراهیم یزدی ملاقات دوم خود با نماینده آمریکا را به شرح زیر بیان می‌کند:

«دیدار دوم در روز ۲۶ یا ۲۷ دی ماه ۱۳۵۷ برابر با ۱۷ یا ۱۸ ژانویه ۷۹ صورت گرفت. در این دیدار

پس از سفر امام خمینی از عراق به فرانسه که در واقع یک هجرت اجباری بود، زمینه بین‌المللی شدن انقلاب اسلامی ایران فراهم گشت و امام این فرصت را پیدا نمود تا با گفت‌وگو با رسانه‌های مختلف و ملاقات‌های گوناگون انقلاب ایران را به جهان معرفی کند.

دکتر ابراهیم یزدی نماینده امام خمینی در آمریکا برای اخذ وجوهات شرعی و از فعالان مذهبی و سیاسی قبل از انقلاب، در این سفر امام خمینی را همراهی کرده و اقامت صدو هجده روزه امام در دهکده نوفل لوشاتو را از ۱۴ مهرماه تا ۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ در خاطرات خود تحت عنوان شصت‌سال صبوری و شکوری روایت کرده است.

ملاقات‌ها و مذاکرات دیپلماتیک امام خمینی در نوفل لوشاتو با مقامات فرانسوی، آمریکایی و سایر دولت‌ها و شخصیت‌های بین‌المللی توسط دکتر ابراهیم یزدی به رشته تحریر درآمده که نقش مترجم و یا تهیه‌کننده صورت‌جلسات مذاکرات را داشته است

وی تحت نفوذ توده‌ای‌ها و یا سایر افراطی‌ها است. به همین دلیل ما معتقدیم که باید مسؤولین ارتش را متقاعد سازیم که آیت‌الله خمینی ضد توده‌ای و ضد کمونیستم در ایران است.

آمریکا می‌تواند کمک کند مذاکرات لازم بین آیت‌الله خمینی و ارتش شروع شود. ما قویاً چنین مذاکره‌ای را حمایت می‌کنیم و آن را ضروری می‌دانیم. اما ما نمی‌توانیم احساس اعتماد را که برای یک مذاکره منظم لازم است، به وجود بیاوریم. این (احساس اعتماد) تنها با یک رابطه مستقیم بین آیت‌الله و ارتش است که به وجود می‌آید.

ما معتقدیم که چنین مذاکراتی فوریت دارد. اطلاعات ما حاکی از آن است که در دانشگاه و در بین کارگران پشتیبانی از توده‌ای‌ها رشد می‌کند که این امر به نوبه خود تحولات مرحله انتقالی را می‌تواند مشکل و خطرناک سازد.

اما پاسخ سه سؤالی که شده بود:

سؤال ۱. مسأله این که جهت‌گیری ارتش چیست؟ بهترین جواب باید از طریق سؤال و تماس با خود آن‌ها باشد. اما نظریات خود ما: آیا ارتش از برگشت فوری آیت‌الله می‌ترسد یا از هیجانات حاصل از آن؟ ارتش ماهیتاً محافظه‌کار است و می‌خواهد آرامش باشد و نمی‌خواهد که جریانات سال قبل ادامه یابد. نظامیان از مجهولات و آینده مبهم نگران هستند و خطر رشد و پیروزی توده‌ای‌ها را می‌بینند. بنابراین، مذاکرات مستقیم با آن‌ها ضروری است.

سؤال ۲. در مورد نظر ارتش درباره «محافظت قانون اساسی» آیا منظور سلطنت است یا حفظ خود

نماینده وزارت امور خارجه آمریکا (زیمرمن) مطالب خود را از روی نوشته‌ای می‌خواند و من ترجمه آن‌ها را عیناً یادداشت می‌کردم. وارن زیمرمن این‌گونه مطالب خود را آغاز کرد:

به نمایندگی از طرف دولت‌مطالب زیر را به اطلاع می‌رسانم:

۱. اولین نگرانی ما پایان دادن به خونریزی‌ها در ایران است، هم به خاطر احترام به بشریت و هم برای به وجود آوردن شرایط مناسب جهت راه‌حل سیاسی بحران ایران.

۲. احساس ما این است که برخورد شدید بین نظامیان و غیرنظامیان، که ما شدیداً مخالف آن هستیم، کار را خیلی مشکل و حتی غیرممکن می‌سازد که یک آینده ثابت را به وجود آوریم. بنابراین، ما از همه نیروهای سیاسی ایران خصوصاً ارتش دعوت می‌کنیم که راه‌حل مسالمت‌آمیز را انتخاب کنند.

۳. در میان کسانی که ادعای پیروی از آیت‌الله خمینی دارند، هستند کسانی نظیر توده‌ای‌ها که مذهب را ولو موقتاً وسیله‌ای برای جمع‌آوری توده مردم به کار می‌برند. به خصوص وقتی راه‌حل‌های دیگری برای آن‌ها امکان‌پذیر نباشد. ما معتقدیم که توده‌ای‌ها و سایرین (کمونیست‌ها) گروه‌های کوچکی هستند اما شدیداً خطرناک می‌باشند. ما معتقدیم تنها ادامه کوشش‌های سیاسی معقول می‌تواند کارهای آن‌ها را خنثی سازد.

دولت ما روی این مسأله اصرار می‌ورزد که موضوع ائتلاف نوشته نشده‌ای بین کمونیست‌ها و ارتشی‌ها درست نیست. معتقدیم که ارتش بیش از همه از کمونیست‌ها ترس دارد. در واقع، بعضی‌ها که در ارتش مخالف آیت‌الله خمینی هستند، معتقدند که

ارتش؟ باید از خود آن‌ها پرسید و فهمید.
اما نظرات ما:

کنگره آمریکا ایراد کرده بود، می‌پردازد و توضیحاتی
به شرح زیر ارائه می‌دهد:

۱. ساندرز گفته است ایرانیان باید سرنوشت آینده
خود را خودشان تعیین کنند و این است که ما از شما
دعوت می‌کنیم که با ارتش مذاکره کنید.

۲. ساندرز گفته است که دولت آمریکا جریانات
قانونی را تأیید می‌کند. اگر تغییری لازم باشد ما
مخالف آن نیستیم. این تغییرات باید از طریق یک
جریان منظم و کنترل و حساب شده باشد و همه
ایرانی‌ها در آن شرکت کنند و آن را حمایت کنند.

۳. ساندرز گفته است که دولت آمریکا از استقلال
ایران حمایت می‌کند. به نظر ما هم ایالات متحده و
هم طرفداران آیت‌الله در جلوگیری از نفوذ توده‌ای‌ها
که مستقیماً به نفع روس‌ها خواهند بود، منافع
مشترک شدیدی دارند.

پس از پایان این قسمت از پیام مأمور دولت آمریکا
سؤالاتی را از جانب دولت مطرح می‌کند و می‌گوید:
به نمایندگی از طرف دولت چهار سؤال زیر را مطرح
می‌کنم:

۱. سرنوشت سرمایه‌گذاری‌های آمریکا در ایران؟

۲. آینده فروش نفت به غرب؟

۳. آینده روابط سیاسی و نظامی ایران با آمریکا؟

۴. روابط با روسیه؟»

در اینجا ملاقات به پایان می‌رسد. ملاقاتی که در
رستوران مسافرخانه نوفل لوشاتو انجام گرفت. دکتر
یزدی در ادامه این بخش چنین می‌گوید:

«به مأمور دولت آمریکا گفتم: بسیار خوب سؤالات
شما را با امام خمینی مطرح می‌کنم و سپس جواب
ایشان را به شما خواهم داد.»

به این ترتیب می‌خواستیم بار دیگر به او یادآور شوم

محافظت و حمایت قانون اساسی فرع بر حفظ
آرامش در راستای روشن شدن جهت آینده است.
هر کس از نظامیان، سیاسیون و مردم باید از قبل
بدانند که چه سرنوشتی در انتظار آن‌ها است. به
نظر آمریکا قانون اساسی این قوانین و مقررات را
روشن کرده است. آمریکا معتقد است که نه ارتش و
نه مخالفان نباید خلاف قانون اساسی رفتار کنند. به
همین دلیل است که از ارتش شدیداً خواسته‌ایم که
عملی خلاف قانون اساسی انجام ندهد. ترس ما این
است که اگر چارچوب قانون اساسی به هم بخورد،
راه برای توده‌ای‌ها باز می‌شود. این خیلی مهم است
که نمی‌گوییم که قانون اساسی نمی‌تواند و نباید تغییر
کند و تأکید می‌کنیم. اساساً معتقدیم ایجاد یک
جریان منظم برای تغییر مهم است.

ما معتقدیم اگر یکپارچگی و انسجام ارتش حفظ
شود، امکان آن وجود خواهد داشت که رهبری ارتش
هرگونه شکل سیاسی که انتخاب شود، مورد حمایت
خود قرار دهد.

سؤال ۳ - در مورد وسایل نظامی فنی، جواب
مطلقاً منفی است، ما می‌خواهیم که قدرت و
یکپارچگی ارتش را حفظ کنیم. ما می‌خواهیم که
نیروی ارتش وسایل فنی را که دولت ایران برای دفاع
خود لازم می‌داند، داشته باشد.

در اینجا پاسخ به سؤالات امام خمینی که در
ملاقات قبل مطرح شده بود، پایان می‌یابد و مأمور
دولت آمریکا به بحث دیگری که مربوط به بیانات
ساندرز (معاون وزیر امور خارجه) که در مورد ایران در

به سکوت و عدم دخالت بنمایید. نه کمونیست نه توده‌ای کاری نمی‌تواند بکند. اما اگر وضع به همین ترتیب ادامه یابد کاری نمی‌توان کرد و توده‌ای‌ها رشد می‌کنند و باعث زحمت می‌شوند

اما در پاسخ چهار سؤالی که مطرح کرده‌اند:

سؤال ۱: سرمایه‌گذاری آمریکا در ایران:

الف: در شرایط فعلی از کم و کیف این سرمایه‌گذاری و ماهیت فعالیت‌های آنان اطلاعات کافی نداریم.

ب: اساس سیاست و خطمشی ما در این مورد و سایر موارد مشابه حفظ استقلال مملکت، مصالح ملی و توسعه و عمران کشور خودمان است.

ج: این امر به برنامه‌ریزی‌های دولت آینده جمهوری اسلامی بستگی دارد. مثلاً به‌طور قطع ما کشاورزی خود را زنده خواهیم کرد. به وابستگی نیازهای غذایی به خارج پایان خواهیم داد. این امر اولویت را در امور کشاورزی ما بیان می‌کند. در رابطه با اجرای این برنامه و تحقیق اهداف کشاورزی دولت آینده ممکن است آنچه را که لازم و مفید می‌داند، انجام دهد از جمله همکاری با کمپانی‌های خارجی از جمله آمریکایی‌ها

سؤال ۲: فروش نفت به غرب کماکان ادامه خواهد یافت. ما خواستار اصلاح وضع اقتصادی کشورمان هستیم. کشور ما را خراب کرده‌اند. ما به درآمد نفت نیاز داریم. نمی‌خواهیم از گرسنگی بر سر چاه‌های نفت بمیریم، لذا نفت خود را به مشتریان آن می‌فروشیم. به قیمت عادلانه روز به هر کسی که بخرد، می‌فروشیم و ارز دریافت می‌کنیم نه چیز دیگری. ما فقط به آفریقای جنوبی و اسرائیل نفت نخواهیم فروخت.

که من طرف مذاکره با شما نیستم و ثانیاً جواب‌ها از من نیست، از آیت‌الله خمینی است. دقیقاً همان‌طور که او از جانب دولتش صحبت می‌کرد. من هم از جانب رهبر انقلاب مأمور بودم و صحبت می‌کردم. به علاوه گاهی اوقات آیت‌الله خمینی مطالبی به نظرشان می‌رسید و می‌گفتند که از نظر من بسیار جالب و عمیق بود و بالاخره این شیوه عملی یعنی تأخیر پاسخ به ما امکان می‌داد که بهترین جواب‌ها و سیاست‌ها را اتخاذ کنیم.

دکتر یزدی سپس می‌گوید:

پس از این ملاقات گزارش مذاکرات را به آیت‌الله خمینی دادم و ایشان پاسخ‌های خود را دادند که در دیدار سوم داده شد.

سومین پیام، ۲۸ دی‌ماه ۱۳۵۷، ۱۸ ژانویه

۱۹۷۹

سومین دیدار در ۲۸ دی‌ماه ۵۷ برابر ۱۸/۱/۱۹۷۹ صورت گرفت. در این دیدار پاسخ‌های آیت‌الله خمینی به شرح زیر خوانده شد:

«در مورد برنامه سیاسی آینده برای مرحله انتقالی سه مرحله پیش‌بینی شده است:

مرحله اول تأسیس شورای انقلاب، دوم معرفی دولت موقت، سوم تنظیم و تصویب قانون اساسی جدید که بعداً به موجب آن قانون اساسی عمل خواهیم کرد.

با عقب‌انداختن کارها، دست توده‌ای‌ها را باز می‌کنید. شما با حمایت از این دولت یا آن دولت و شلوغی ارتش باعث تعویق و در نتیجه، رشد توده‌ای‌ها و زحمت بیشتر ما هستید. کنار بروید و بگذارید خود ما کارهایمان را بکنیم. ارتش را هم وادار

سؤال سوم: روابط سیاسی نظامی با آمریکا:

الف: ما اساساً ضد هیچ کشور و ملتی نیستیم. ضد سیاست‌های آنان علیه مصالح ملت خودمان و ظلم آن‌ها هستیم. هرگاه روش دولت آمریکا بر خلاف گذشته، واقع‌بینانه شود و دست از دخالت در امور ما بردارد، دست از حمایت مردمی دزد و فاسد، از ارتشی و غیرارتشی، بردارد، جنبش ما را بفهمد و به آزادی و استقلال ما احترام بگذارد ما با آن‌ها روابط دوستانه خواهیم داشت. ما برای توسعه کشاورزی و اقتصاد کشور به علوم و فنون و تکنولوژی غرب خصوصاً آمریکا نیاز داریم. با دوستی و احترام متقابل می‌توانیم رابطه داشته باشیم. اما آمریکا باید بداند که تنفر عمیق مردم ما نسبت به آمریکا به دلیل کودتای ۱۳۳۲ و دخالت ممتد آن‌ها از آن به بعد و حمایت از شاه امری نیست که در مدت کوتاهی از دل مردم ما برود. آمریکا می‌تواند آن را جبران کند و عملاً نشان دهد که سیاستش تغییر کرده است.

ب: ما با خرید سلاح‌های عظیم نظامی برای ایران موافق نیستیم. آن‌ها را نه ضروری می‌دانیم و نه مفید. **ج:** ثبات ایران و در نتیجه ثبات منطقه را ما نه در خرید سلاح‌های عظیم و نه در یک ارتش بزرگ می‌دانیم بلکه در توسعه دموکراسی، استقلال کشور، عدالت اجتماعی، همکاری و شرکت وسیع مردم در تمامی شئون کشور می‌دانیم.

د: سیاست خارجی ما بی‌طرفی مثبت است و لذا در پیمان‌های نظامی شرکت نمی‌کنیم.

هـ: ما نه به صورت ژاندارم منطقه عمل خواهیم کرد و نه به صورت صادر کننده انقلاب به سایر کشورهای منطقه.

سؤال ۴: روابط با روسیه، عیناً نظیر آمریکا است.

ما از آن‌ها هم سوابق تلخی داریم. آن‌ها هم رژیم شاه را حمایت کرده‌اند. آن‌ها هم اگر بخواهند در امور ما دخالت کنند، مقابله و مقاومت می‌کنیم. آن‌ها هم اگر به ما احترام بگذارند و مصالح ما را محترم بشمارند، در امور داخلی ما دخالت نکنند، با آن‌ها دوستی خواهیم داشت. اما ما خود را با مردمی که به خدا معتقدند نزدیک‌تر حس می‌کنیم تا با ملحدین خدانشناس.

و بالاخره

۱. ما خواستار تقلیل فشار و جنجال‌های سیاسی بین‌المللی و منطقه‌ای هستیم، نه تحریک و تشدید جنجال‌ها.

۲. ما برای ساختن مجدد کشور و آبادانی مملکت به آرامش نیاز داریم. بنابراین، در تحریکات و تشنجات منطقه و دسته‌بندی‌ها شرکت نخواهیم کرد.

۳. در مشکلات و مسایل سیاسی جهانی با سایر دولت‌ها، راه‌حل را از طریق مذاکرات سیاسی و در سطح سازمان ملل می‌دانیم.»

دکتر یزدی در ادامه می‌گوید بعد از بیان مطالب بالا که پاسخ سؤالات قبلی دولت آمریکا بود، نماینده دولت آمریکا سؤال کرد:

«شما گفته‌اید که می‌خواهید به جنگ و خونریزی داخل خاتمه دهیم. ما هم موافقیم و کوشش داریم. اما ترس و نگرانی ما این است که قبل از تماس با ارتش و سایر عوامل مهم و قابل توجه، معرفی و اعلام دولت موقت انتقالی به بروز ریسک‌های ثانوی منجر شود. علاقه‌مندیم نظرات آیت‌الله را بدانیم.»

در مورد این سؤال از او خواستم توضیح بدهد که منظورشان از «سایر عوامل مهم و قابل توجه که

و برخورد مستقیم خارجی، جدای از قانون اساسی اتفاق بیفتد، با نتایج فاجعه‌آمیز آن برای تمامی نیروهای غیرکمونیسست، از جمله برای عوامل مذهبی پشتیبانان آنان. در این مورد از من خواسته شده است که توجه شما را به بیانیه جدید حزب توده جلب کنم که پشتیبانی خود را از شورای انقلاب و دولت موقت اعلام داشته است.

۴. ما فکر می‌کنیم که در شرایط کنونی هنوز زود است که آیت‌الله در این زمان به ایران برگردد. پایان پیام»

دکتر یزدی پیام فوق را بلافاصله تقدیم امام خمینی می‌کند و سپس به بررسی محتوای پیام می‌پردازد. او می‌گوید: استنباط ما این بود که آمریکایی‌ها اصرار دارند، قانون اساسی فعلی که مشروطه سلطنتی است، حفظ شود و اعتبار خود را از دست ندهد و ثانیاً غیرمستقیم در بند ۳ می‌خواهند ما را از یک فاجعه موهوم در صورت تغییر قانون اساسی بترسانند و ثالثاً مایل نیستند که آیت‌الله خمینی به این زودی به ایران برگردند. این امر مصادف بود با زمانی که شاه از کشور خارج شده بود و آیت‌الله خمینی خود را برای بازگشت فوری به تهران آماده ساخته بودند، اما بختیار و ارتش فرودگاه‌ها را بسته بودند.»

اقدام دولت و ارتش در بستن فرودگاه تهران و پیغام امروز نماینده آمریکا درباره تأخیر بازگشت به ایران حکایت از یک توطئه‌ای می‌کرد و گرنه دلیلی نداشت که آن‌ها چنین اصراری داشته باشند.

رایعاً، آمریکایی‌ها از اعلامیه حزب توده در پشتیبانی از شورای انقلاب و دولت موقت می‌خواهند بهره‌برداری کنند و ترس و وحشت موهوم از کمونیسم را بهانه قرار بدهند.

ترجمه other significant elements است، چیست؟ گفت نمی‌داند، سؤال می‌کند و جواب می‌دهد.

در روز ۳۰ دی‌ماه ۱۳۵۷ برابر با ۱۹۷۹/۱/۲۰ نماینده دولت آمریکا تلفن زد و جواب سؤال بالا را به شرح زیر داد:

«تصمیم‌گیری نسبت به آینده و جریان تحول سیاسی و برنامه‌ای برای به‌وجود آوردن حداکثر ثبات، باید خود مردم شرکت‌کنندگان اصلی باشند و عناصر اصلی را خود آن‌ها انتخاب کنند و سعی شود که حداکثر نیروها را دربرگیرد.»

پاسخ نماینده دولت آمریکا همراه با متن کامل مذاکرات عیناً به آیت‌الله خمینی گزارش شد.

چهارمین پیام، ۴ بهمن ۵۷ مطابق با ۲۴ ژانویه ۱۹۷۹

چهارمین دیدار در ۴ بهمن ۱۳۵۷ برابر با ۱۹۷۹/۱/۲۴ در همان رستوران نوفل‌لوشاتو صورت گرفت. نماینده دولت آمریکا مجدداً از روی نوشته مطالب خود را می‌خواند:

«از جانب دولت‌موظفم چهار نکته را به اطلاع برسانم:

۱. برای ما و فرض ما آن است که آیت‌الله هم با ما در این امر شریکند که ایران مستقل و با ثبات و جدای از دخالت خارجی‌ها، هدف است.

۲. ما اعتقاد داریم که جریان کافی در قانون اساسی هست که از طریق آن تمامی نیروهای اصلی می‌توانند با آرامش در تنظیم سرنوشت مملکت شرکت و دخالت کنند.

۳. اگر این جریانات تعقیب و اجرا نشود، یک حرکت

پس از بررسی این نکات و با توجه به سیاست‌های بختیار و بستن فرودگاه‌ها، که خیلی حساس بود و این که میلیون‌ها نفر از سراسر ایران برای استقبال آیت‌الله خمینی به تهران آمده بودند و هر آن احتمال درگیری و کشتار شدیدی داده می‌شود و همچنین با توجه به کشتار روز قبل جلوی دانشگاه و وقایع سندج و دستگیری روزنامه‌نگاران و غیره، آیت‌الله خمینی پیغام تهدیدآمیزی برای آمریکایی‌ها تهیه کردند که آن را یادداشت نمودم تا در اولین دیدار به نماینده وزارت امور خارجه آمریکا تسلیم کنم.

پنجمین پیام، ۷ بهمن ۱۳۵۷ برابر با ۲۷ ژانویه ۱۹۷۹

در روز ۷ بهمن ۱۳۵۷ برابر با ۲۷ ژانویه ۱۹۷۹ با نماینده دولت آمریکا ملاقات کردم و پیام آیت‌الله خمینی به دولت آمریکا را به شرح زیر برای او خواندم: «کارها و عملیات بختیار و سران کنونی ارتش نه تنها برای ملت ایران، بلکه برای دولت آمریکا هم به‌خصوص آینده خود آمریکا هم در ایران، سخت ضرر دارد و من ممکن است مجبور شوم دستور جدیدی درباره اوضاع ایران بدهم. بهتر است شما به ارتش توصیه کنید که از بختیار اطاعت نکند. دست از این حرکات بردارند. ادامه این عملیات توسط بختیار و سران ارتش ممکن است فاجعه‌ای بزرگ به بار آورد. اگر او و ارتش در امور دخالت نکنند و ما ملت را ساکت کنیم، ضرری برای آمریکا ندارد. این گونه حرکات و رفتار، ثبات و آرامش منطقه را باعث نخواهد شد. ملت از من حرف‌شنوی دارند و ثبات به دستور من و با اجرای برنامه من به وجود خواهد آمد. وقتی من دولت موقت را اعلام کنم، خواهید دید که رفع

بسیاری از ابهامات خواهد شد و خواهید دید که ما با مردم آمریکا دشمنی خاصی نداریم و خواهید دید که جمهوری اسلامی که بر مبنای فقه و احکام اسلامی استوار است، چیزی نیست جز بشردوستی و به نفع صلح و آرامش همه بشریت است. بستن فرودگاه‌ها و جلوگیری از رفتن ما به ایران ثبات را بیش از پیش به هم می‌زند، نه آنکه اوضاع را تثبیت نماید. از جانب نیروهای من خواسته شده است که اذن بدهم بروند فرودگاه را باز کنند با زور. اما من هنوز چنین اذنی نداده‌ام. همچنین نیروهای مسلح از نظامی و غیرنظامی، از جمله عشایر درخواست عمل برای پایان دادن به وضع کنونی کرده‌اند، اما من هنوز اذن نداده‌ام و ترجیح می‌دهم که کار با مسالمت تمام شود و سرنوشت مملکت به دست ملت سپرده شود.»

این آخرین تماس و ملاقات با نماینده وزارت امور خارجه آمریکا بود.

رد و بدل شدن پیام‌ها مابین امام خمینی و دولت آمریکا که قدرت حاکم بر ایران در زمان شاه بود، باعث شد همراه با جنبش کبیر مردم ایران، آمریکا را در موضع انفعالی قرار دهد و آن را از دست زدن به یک اقدام فاجعه‌بار بردارد و تسلیم خواسته ملت ایران شود. دیپلماسی امام در پاریس تا آخرین روزهای اقامت ایشان در فرانسه ادامه داشت و ارتباط‌های گوناگون با دولت‌های دیگر گروه‌ها، جمعیت‌ها و شخصیت‌های ایران ادامه داشت که در فرصتی دیگر به آن می‌پردازیم. تمام این ملاقات‌ها و گفت‌وگوها در جهت معرفی انقلاب و بیان جنایات رژیم استبدادی شاه و مصائب و مطالبات ملت ایران قرار داشت.

دکتر سید محمد صدر